

عنوان مقاله:

تبارشناسی ساخت ناتمام آموزش باز در ایران

محل انتشار:

فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره 15، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 41

نویسندگان:

علی اصغر هدایتی - دانشجوی دکتری برنامه ریزی آموزش از راه دور، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مهران فرج الهی - استاد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

نعمت الله فاضلی - استاد انسان شناسی اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

محمدرضا سرمدی - استاد علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

آموزش باز در پرتو رشد فناوری، با تغییر در «فرهنگ آموزش» و تاکید بر اصل «یادگیرنده محوری»، نظام آموزشی را دگرگون کرده است. از آنجا که در نظام آموزشی ایران، به این موضوع بی توجهی شده، مقاله حاضر، به منظور آشکارسازی این «نیمگی»، مسئله ساخت ناتمام آموزش باز در ایران را از دیدگاه انتقادی بررسی کرده و برای این واکاوی تاریخی که دوره معاصر ایران را دربر می گیرد از شیوه تبارشناسی منسوب به فوکو، استفاده شده است. تبارشناسی، تبیین تحولات برهه ای تاریخ است در نسبت درونی آن ها با قدرت. به تعبیر فوکو، در گفتمان است که قدرت و دانش به یکدیگر پیوند می خورند. و منظور از «تحلیل تبارشناسانه»، راهبرد معرفت شناختی ای است که در حوزه های گوناگون تاریخ، علوم سیاسی، و علوم اجتماعی شکل گرفته است؛ بنابراین، برای توصیف و تبیین مسئله مقاله، ناگزیر از بررسی کردارهای گفتمانی سنتی و مدرن آموزشی در نسبت با فضای گفتمانی آموزش باز هستیم. در پاسخ به این پرسش مقاله که «ساخت ناتمام آموزش باز در ایران معاصر، محصول چه شرایطی است؟» یافته های مقاله، حکایت از این دارد که «نادیده انگاری وجوه نرم افزاری و گفتمانی علم که به سیطره نگاه ابزاری به آن انجامیده است، فهم نارس از آموزش باز که آن را به آموزش مکمل فروکاسته است، و روابط بوروکراتیک، که با ویژگی دموکراتیک این آموزش فرامردن در تعارض است، سبب ناتمامی آموزش باز شده و تعمیق چالش بیگانگی علم از فرهنگ و جامعه را در پی داشته است».

کلمات کلیدی:

مسئله، آموزش باز و بسته، تبارشناسی، گفتمان، فرهنگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1599664>

